

مذهب کاتولیک و تعصب پیشوایان و علمای آن عقل را از کار انداخته و معزول و محبوس کرده بود و اگر هم عقل از محبس خود بدستباری اشخاص بیدین فرار کرده و در گوشه ای از اروپا علم باغیگری برمیافراشت و رسماً میان عقل و دین اعلان جنگ ابدي میشد که میدانند که عاقبت کدام غالب میآید و اگر هم عقل و طرفداران او غالب میشدند چقدر طول میکشید و شاید اصلاً دین و اخلاق حمیده را که در قلمرو او است بکلی برمیانداختند و از این راه مصترافی پیدا میشد و بآنکه دین و در واقع تعصب غلبه میکرد و عقل را تماماً اسیر و دستگیر میساخت و چنان حبس میکرد که دیگر راه فرار بر او مسدود میشد و بهر حال در آسورت عقل و دین در حال جنگ میشدند و بیرون عقل در حکم باغی و خارج از قانون بود. لوتر خواست عقل را نه از راه عصیان بدین بلکه بدست خود دین از محبس بیرون بیاورد و با دین متحد نماید و سلطنت حقیقی عالم را بعقل بدهد و ثابت کند که دین مخالف عقل نیست.

در سایه سلطنت عقل بود که علم و حکمت رو بنمو گذاشت و بار آورد و دین مسیح در اروپا ترقی کرده و بایدار شد و لهدا هم علم و تمدن و هم دین مسیحی تا بدین مدیون خدمات لوتر خواهند بود و اگر چنانچه در ممالک کاتولیکی هم آزادی و ترقی و تمدن پیدا شده باز از انعکاس تأثیر قدرت مذهب پروتستانت در سایر ممالک است چنانکه تخفیف استبداد سلاطین ممالک دیگر از تأثیر جمهوریت فرانسه بود. این تجدید اصلاحی که پس از مجاهدات خونین بالآخره صولت و سطوت پاپ و علمای روحانی متعصب فرنگستان را در هم شکست با مهاجرت حکمای یونان از اسلامبول و پناه بردن آنان با اروپا و اختراع مطبعه و انکشاف قطب نما اسباب عمده نهضت تمدن جدید شمرده میشوند.

برای اصلاح لوتر در اسلام نظیری نمیتوانیم پیدا کنیم. اجتهادات ابن تیمیه (۱) و اصلاح محمد بن عبدالوهاب (۲) مؤسس مذهب وهابی که در واقع از طریق ابن تیمیه اخذ شده بود، طریقه شیخ احمد احسانی، دعای غلام احمد قادیانی (۳) هیچ کدام اصلاحی اساسی مبنی بر روح تساهل (۴) و مدارا نبود بلکه بعضی از این طریقهها تعصب را شدیدتر

(۱) تقی الدین ابوالقیاس احمد بن عبدالحمید بن عبدالسلام بن عبدالله بن محمد بن تیمیه الحنبلی متولد به ۶۶۱ و متوفی سنه ۷۲۸ - مشارالیه در دمشق نشوونما یافته و یکی از علمای معروف شد که در واقع مینخواست اسلام را بحالت اصلی خود برگردانده و حشوو زواید عارض بر آنرا براندازد.

(۲) محمد بن عبدالوهاب مؤسس مذهب وهابی از اهل عیان در مرکز عربستان که در سنه ۱۱۵۸ مذهب خود را که مبنی بر تصفیه اسلام از بدعتها بود برپا کرد و در حدود سنه ۹۵ سالگی وفات کرد.

(۳) میرزا غلام احمد قادیانی مجدد اسلامی هندی است که در اواخر قرن گذشته از قادیان (که قریه ایست در ۳ فرسخی شمالی غربی نصابه از مملکت پنجاب در هندوستان) ظهور کرد و خود را مسیح موعود و مجدد اسلام خوانده طریقه معروف با حدیثها بانی شد که از طرف خلیفه او حکیم نور الدین و خلیفه ثانی وی میرزا بشیر الدین محمد احمد که حالا در حیات است ترویج میشود.

(۴) Tolérance

قشونی که در زیر اداره آنها بود حملان و نانوایان و آشپزها و سابقان و دلاکان (۱) خود را و همچنین پیشخدمت متان خود را که کارشان چیدن و بر چیدن سفره و خوابانیدن و بیدار کردن ایشان و مشتمال کردن و عطر زدن بآنها بود در جزو سواران لشکری داخل میکرد و سنان میدادند (۲) و از این فقره واضح میشود که لذت مداخل در ذائقه بعضی بتوارث نسل بعد نسل نشو و نمایافته و طبیعت ثانوی شده و فقط اصلاحات اساسی (نه ماست مالی) میتواند این صفت ردیله را که یکی از اسباب عمده هجوم مردم بادارات و دخول در بازی سیاست و حمله بوزراء است تخفیف دهد. شاید یکی از بهترین کارها برای علاج این مرض مهلک یعنی درد منصب دوستی و هجوم بمشاغل دولتی آن باشد که تأسیسات صنعتی و مخصوصاً صنایع ماشینی در مملکت ترویج شود و محصلین علوم بیشتر فنون ماشینی ساده و کوچک را بیاموزند و بتدریج کار مشر در مملکت زیاد شود و البته این فقره نیز مانند هزار کار دیگر فرع رواج تعلیم عمومی است.

مشاهیر مردمان

مشرق و مغرب

— ۵ —

لوتر (۲)

یکی از مشاهیر بزرگ عالم که تمدن جدید اروپا بلاشک باندازه مهمی مرهون مجاهدات او است مارتن لوتر مجدد عظیم مسیحی است. تمام علمای فرنگ اجماع دارند بر اینکه اگر لوتر طلسم تعصب مذهبی و سد تاریک استیلا و استبداد کشیشان کاتولیکی را نشکسته بود هنوز اروپا باین درجه تمدن و نورانیت نرسیده بود و شاید اصلاً تمدن نمیتوانست نمود کند. شکوفه نورسیده علم که تازه بواسطه هجرت و فرار حکما و علمای یونان از اسلامبول با اروپا در موقع استیلای ترکها در ممالک اروپا آغاز انبساط و نمو کرده بود بهیچ وجه تاب صرصر مخالف نداشت و لابد مانند ممالک اسلامی هر نهضت علمی بمجرد سرد آوردن تخم آن از خاک زیر موزه حامیان مقدس جهل و تعصب و حشیانه سائیده میشد. روحانیان کاتولیک اصلاً فرصت سئوال و جواب و منطق و استدلال بجایالات ناز میآوردند و میر غضبهای کلیسا در یکدست پیشنهاد قبول تعبدی و در دست دیگر تازیانه تکفیر در پی تفتیش و معدوم ساختن تخم علم و حکمت بودند.

(۱) مقصود کسانی است که در مقام خدمت میکنند.

(۲) کرنفون در کتاب «پرورش کوروش» بنقل آرتور بوشه از آن

Martin Luther (۲)

حقوق بکند. لوتر ابتدا پیش از آنکه در شعبه مخصوص فن خود شروع به تحصیل کند قدری از علوم کلی و عمومی فرا گرفت و مخصوصاً در فن مناظره و حاضر جوابی و مجادله کامل شد و هم چنین زبان لاتینی را یاد گرفته و کتب قدیم لاتینی را تحصیل نمود. مشارالیه با بیشتران طریقه «هومانیسم» (۲) که در آلمان در ارفورت شیوع داشت نزدیک شد. در سنه ۹۰۸ تصدیقنامه فلسفه را گرفت و در سنه ۹۱۱ دارای مقام قاضیگری شد یعنی حق قضاء پیدا کرد لکن هنوز تا آلمان برشته علوم دینی و غور در کتاب مقدس مشغول نشده بود و کتاب مقدس را ابتدا در کتابخانه دار الفنون دید.

لوتر در اواخر دوره تحصیل خود در خیالات مذهبی غور کرده بود ولی اثر واضح این خیالات بفته در وی ظهور نکرد. بحسب ظاهر بواسطه یک هول و فزع آسمانی که در موقع یک رعد و برق در ۲۹ محرم سنه ۹۱۱ او را فرا گرفت خیالات او قوت گرفته و رسیده شد و بفته در ۱۴ صفر همانسال بدیر راهبان اوگوستینی در ارفورت داخل شد و نام دوستان خود را در حیرت گذاشت. در آن صومعه نذر عفت را کرده و در ۱۹ ذی الحجه سنه ۹۱۲ مقام کشیشی را احراز کرد. در آلمانی که مشارالیه در صومعه در حال عزلت گذرانید بعضی اوقات تفکرات عمیقی در او پیدا شد و در ترتیب جاری شگ بدلتش راه یافت. از یکطرف هم وی باز در تحصیلات علمی و فلسفی خود مداومت داشت و از طرف دیگر بغور در انجیل و معانی آن کتاب مقدس مشغول بود و با بعضی از برادران طریقت خود مذاکره میکرد و در واقع در همین دوره تجرد و فکراساس خیالات آینده او پیدا شده و توضیح گرفت. در سنه ۹۱۴ در دار الفنون جدید شهر ویتمبرگ (۱) رفت و در آنجا ابتدا فلسفه ارسطورا خوانده و بعد در سنه ۹۱۵ سند فارغ التحصیلی در تفسیر کتاب مقدس و در سنه ۹۱۸ مقام اجتهاد (دکتری) در حکمت الهی و علوم شرعی را حایز شد. در این بین در سنه ۹۱۶ بمأموریت از طرف فرقه اوگوستینی سفری بشهر روم کرد. اگرچه بعقید ذمبضی همین سفر باعث تزلزل عقیده او در باره «مقام منبع ریاست روحانی» نصاری یعنی پاپ روم شد لکن ظاهراً وقتیکه وی از روم برگشت هنوز باعلان جنگ بر ضد مسند نشینان روم مصمم نشده بود و هنوز یک کاتولیک مؤمن و مقتدی بود که بقول خودمان پالانش هنوز راست بود. بعد از عودت از روم مشارالیه مدتی بتحقیق و تأمل در رسائل پول از حواریون مسیح مشغول بود و مجلس درسی هم در تدریس تفسیر این مراسلات داشت. علاوه بر این وی هم در کلیسای صومعه و هم در کلیسای شهر وعظ میکرد و بتدریج در درجات روحانی ترقی کرد.

کرده و بیرون عقاید دیگر را واجب القتل نمود. مذاهب دیگری هم که بکلی مدتی نسخ اسلام و تأسیس دین جدید شدند از موضوع ما خارج است. نجاست غیر مسلمین، اسیری زنها، تعدد زوجات، سهولت طلاق تکفیر و قتل و آزار بیروان مذاهب خارج از اهل کتاب، زجر و جفای بر اهل ذمه، تعصب شدید در مسائل اعتقادی و حمله بمخالفین عقاید خود، احراق «کتب ضلال»، انحصار تعلیمات دینی در زبان عربی و عدم جرئت بترجمه قرآن، امتیاز تفسیر بطبقه روحانی، سخت گیری در وجوب تقلید و محصور کردن طریقه اجتهاد در قواعد معینه و مدونه محدودی که طریقه جاریه و مقبئه دائمی شده و نخطی از آن جاده تنگ اجماع و شیاع و ضرورت باعث تطهیر فتنان چائی مرتکب آن بر ملا میشود هنوز در طریقه های مدعیان اصلاح در اسلام بجای خود بود در صورتیکه با رجوع باصل اسلام در کمال آسانی میشود روح ترقی و تمدن جدید را بواسطه اصلاح این امور ناموافق بروح زمان بآدمین اسلام وفق داد. لوتر بیک حمله تمام حشو و زوائد یعنی سن دینی را که بعد از حضرت عیسی بتدریج در میان مسیحیان جزو دین شده بود برانداخت و فقط کتاب انجیل را مدار عمل و اساس تعلیم قرار داد و کلید فهم انجیل را نیز از دست کلید داران محبس عقل یعنی آخوندهای مسیحی گرفته و آن کتاب دینی را بزبان معمولی ترجمه کرد. کاتولیک ها کتب دینی و ادعیه را فقط بلاتینی میخوانند و ترجمه را حرام میدانند و هر عوامی هم مجبور است بزبانی که یک کله از آنرا میفهمد هر روز دعا و انجیل بخواند. لوتر گفت که باید این مطالب را که خدا برای همه مردم محض هدایت عامه فرستاده بزبان مادری هر کسی در دنیا ترجمه کرده و دست او داد. شناختن حالات و گذارش زندگی این مرد بزرگ برای اهل حقیقت و دوستان اصلاح عالم بیفایده نیست و همین است که ما ذیلاً خلاصه شرح حال او را درج میکنیم:

ماریتین لوتر در ۹ شوال سنه ۸۸۸ در شهر آیزلین (۱) از بلاد آلمان تولد یافته و در همانجا در ۱۶ ذی الحجه سنه ۹۵۲ وفات کرد. اجداد او روستائی بودند و پدرش از شهر اصلی خود هجرت کرده بکار کردن در معدن مشغول شد. لوتر در طفولیت در تحت تربیت پدر و مادر زندگانی میکرد و آنها ویرا باکمال سختی و مراقبت و بتقدس و تقوی بزرگ کردند. در ۱۵ سالگی در شهر آیزناخ و در ۱۷ سالگی در شهر ماگدبورگ مدرسه گذاشته شد. در مدت تحصیل خود وی مجبور بود معیشت خود را بواسطه سرود خواندن در کوچه و بازار در بیاورد تا وقتیکه خانمی مرفه الحال موسوم به مادام اورسولا گونا او را در خانه خود جای داد و بواسطه حمایت و تقویت او لوتر گرم تحصیل شد و چون در سنه ۹۰۷ داخل دار الفنون شهر ارفورت شد پدرش نیز کمک مالی باو کرد و سپرد که او تحصیل علم

(۲) هومانیسم (Humanisme) در ابتدای نهضت تمدن اروپا آن طریقه را میگفتند که باحیاء تحصیل زبان و علوم و ادبیات قدمه یعنی یونان و روم جد و جهد خصوصی داشتند.

که معلم و پیشوای تعلیمات دینی هستند مظهر قوای آسمانی و مصدر اعمال و احکام خدائی نیستند. در ۲۸ جمادی الآخره سنه ۹۲۶ حکم عالی مقام منبع ریاست روحانی از روم بر ضد لوتر و عقاید او صادر شد. در این حکم باب ۴۱ فصل از فصول نوشته‌های لوتر را رد کرده و موجب ارتداد شمرد و بخود لوتر شصت روز مهلت داد که از این عقاید تبری نماید. مقارن همین کشمکشها لوتر هم تمام اجتهادات و عقاید خود را نظم و ترتیب تازه‌ای داده و سه کتاب مهم نشر نمود. این کتابها که شامل احتجاجات و مناظرات منطقی و دندان شکن بود از یکطرف و تکفیرنامه پاپ و قال و قیل اتباع او از کشیشان کاتولیکی و خلیفه پاپ در آلمان از طرف دیگر و لوله‌ای در ممالک آلمان برانگیخت. خلیفه پاپ بهر نقطه میرسید کتب و رسائل لوتر را میسوزانید و لهذا لوتر نیز در ۲۸ ذی الحجه سنه ۹۲۶ در ملاعام فرمان پاپ را سوزانید و دیگر از آنروز هر نوع رابطه و امید صلح میان او و ناحیه قدسی تباه شد. امپراطور آلمان لوتر را برای استنطاق در جلو مجلس اعیان شهر ورم (۱) احضار کرد. در اواسط سال ۹۲۵ ماکسیمیلیان قیصر آلمان وفات کرد و کارل اسپانیائی از دودمان هابسبورگ با امپراطوری آلمان انتخاب شد. امپراطور جوان که بیست سال داشت در اواخر سنه ۹۲۶ با آلمان آمد و تاج بر سر گذاشت. در اوایل سنه ۹۲۷ یک مجلس ملی (رایخستاگ) در شهر ورم منعقد کرد و لوتر نیز بان مجلس برای استنطاق احضار شد. نماینده پاپ آنچه کوشید که لوتر را بحضور مجلس راه ندهند نتیجه نبخشید و چون اولیای دولت آلمان و پادشاه با پاپ میانه نداشتند گوش بحرف خلیفه پاپ ندادند ولی بعد از اینکه لوتر دو بار در حضور مجلس آمده و بمطالب او رسیدگی شد در ۱۸ جمادی الآخره ۹۲۷ مجلس رأی بر ضد وی داده و حکم امپراطور در رفع و طرد وی و قلم و قمع اتباع او صادر شد. یکی از امرای آلمان موسوم به کورفورست فریدرک لوتر را در یک قصبه برده و محفی کرد و مردم دیگر از زندگی او خبر نداشتند. تا ماه ربیع الثانی سنه ۹۲۸ او در خفاگاه خود ساکت زندگی میکرد ولی بعد مشارالیه باز اوراق و بیاناتهای مخفیانه نشر کرد و در همانجا بود که ابتدا بترجمه توریه و انجیل بزبان آلمانی شروع نمود. در ترجمه این دو کتاب وی قریب بچهارده سال کار کرد.

پس از آنکه از خفاگاه خود بیرون آمد بشهر ویتمبرگ رفته و در آنجا بنای تعلیم و وعظ را گذاشت و بیرون او زیاد شد و وی دائماً رساله‌ها و اوراق در بیان مطالب خود و رد معارضین مینوشت و بچاپ میرسید و در این زمینه کار فوق العاده زیاد کرد و روز بروز ریشه بدعهای دینی بر آکند و مذهب انجیلی پروتستانت (شیوع داد و در حدود سنه ۳۲ این مذهب سر و صورتی گرفته و در ممالک ساکسونی پروتستان دایر شد. در مجلس شورای عالی آلمان

(۱) Worms

ابتدای بلند شدن لوتر بر ضد روحانیان کاتولیک و برافراشتن علم یاغیگری و انقلاب بر ضد استبداد روحانی مبنی بر هوی و هوس و بدعت در سر مسئله توبه و آمرزش گناهان از طرف کشیشان و پاپ شد. رؤسای روحانی بدخواه خود کسی را از کلیسا اخراج یعنی باصطلاح خودمان تکفیر میکردند و بعد برای آمرزش او و دوباره داخل شدنش در کلیسا ممکن بود مشارالیه گناه خود را با پول بخرد و باصطلاح خودمان دم آقارا دیده و پاک و مؤمن شود. در ۱۶ شوال سنه ۹۲۳ که روز آیین مخصوصی در کلیسای ویتمبرگ بود لوتر عقاید خود را فاش کرد و بواسطه اعلانی که دارای اصول عقاید او و مشتمل بر ۹۵ فصل بوده و بدیوار کلیسا در آنروز چسبانیده شد این مطالب بگوش همه خورد و فوراً در تمام مملکت آلمان منتشر شد. در ظرف ۱۴ روز در تمام آلمان این مطالب دست بدست گشت و اصلاً چون همه از این توبه بازی بجان آمده بودند و مفسد اعمال علمای سوء منهود گردیده بود توجه زیاد بان اعلان کردند. عقاید لوتر چیز اختراعی نبود بلکه دین مسیحی را باصل پاک خود عودت میداد و آنرا از هزاران برگ و ساز و بدعتها و سنن و عادات و اجتهادات و اجاعها و احکام روحانیان و خلفای بعد از مسیح که با روح تعلیمات حضرت مسیح وفق نمیداد پاک میکرد و میگفت مذهبی که حالا در میان خود داریم مثل باغچه ایست که در آن مثنی تخم گل پاشیده شده و سبز شده باشند ولی گیاههای هرزه اینقدر از اطراف در آن باغچه روئیده باشد که برگهای اصلی غلبه و احاطه کرده و گلها در آن میانه مستهلک شده باشند. اولین اعلان جنگ بر ضد عادات دینی مبنی بر بدعت که جزو اصول مقتسه دینی شده بودند رد توبه بازی و آمرزش بود.

در ابتدای سنه ۹۲۴ اداره سانسور بنام کتبی که در خاک و قلمرو نفوذ روم انتشار مییافت حکم کرد که بر ضد طریقه لوتر بجنب بر خاسته و از حکم مطلق و بیحدود پاپ مدافعه نمایند و لوتر را ملعون و پیرو شیطان خواندند. مشارالیه در مجالس عدیده با کشیشهای بزرگ مباحثه و از عقیده خود دفاع کرد و مخصوصاً در شهر لایپزیگ بنشر عقاید خود برخاسته و مباحثات زیادی در رد عصمت مجامع بزرگ ائمه دین مسیحی (۱) نموده و امکان خطای آنها را اثبات نمود. بعدها لوتر متنی با کمال سعی و جد و جهد مشغول تألیفات شد و بیک همت خستگی ناپذیر مقالات و رسائل زیادی در کمال فصاحت و بلاغت در اثبات اصلاحات خود و احتجاج در آن باب انشاء کرد و مخصوصاً مشارالیه علاوه بر کار بزرگ خودش یعنی اصلاح دینی یکی از بهترین نثرنویسان آلمان و از فصاحتی بود که نوشته‌های او سرمشق شد. لوتر بتدریج در خط اصلاحات جلو رفت و سلطه روحانی پاپ را نیز انکار کرد و گفت رؤسای مذهب (۱) مقصود مجامع رسمی است که بفرنگ (con) گویند و چندین بار در تواریخ مختلفه منته شده و اساسهای انجیلی مذهب رومی را بر تراز کرده است.

شروع کرد و علم جهاد بر ضد بدعت‌های مسیحی که از اصل دین مقبولتر شده بودند بر افراشت که در ابران طریقه اخباری شیوع می‌یافت که در واقع یک حرکت قهقرائی بسوی تاریکی بود و دوره رواج محرم‌نامه و جنات الخلود و اختیارات و امثال آنها شروع میکرد و علمای محترم آلمان عقل را که در ذیل ادله اربعه اصول فقه مجتهدین اصولی در مرتبه چهارم و در صف نعال جای داشت بکلی از حکم ساقط و منفصل میکردند.



عکس مارتین لوتر مجدد دین مسیحی (۸۸۸-۹۰۲)

این مرد بزرگ که قسمت بزرگ عمر شریف ۶۳ ساله خود را صرف بیداری حس دینی حقیقی آزاد و ترویج عقیده عقل حاکم و نفس فاعل مختار نمود سالیان دراز بزبان و قلم در پیشرفت مقصود خود کوشید. تالیفات و تخریرات متفرقه او که در نهایت فصاحت است یک کتابخانه را بر میکند. وی خوش حالت و محبوب و خوشرو بود؛ نژادی نرس در دل نداشت و همین بیباکی در پیشرفت مقصود او دخالت کلی داشت، در جنگ بر ضد مخالفین بی پروا داخل میشد و مظلومین کمک و باوری میکرد، عقیده راسخ و محکم بحقیقت تعلیم خود داشت و رنه تکفیرها و لعن‌های پاپ که او را با عذاب جهنم سخت می‌ترسانیدند ممکن بودگاهی او را ترسانک و منززل نماید. چنانکه گفتیم او بزرگترین نثر نویس ملی آلمان بود، قوت کلام و مناظره و فصاحت بیان و ایمان قوی در نوشته‌های او بکمال روشنی عیان بود. وی خودش را مؤید من عند الله و مأمور میدانست که تعلیمات حقیقی حضرت مسیح را نشر کند و بلاشک ترجمه عهد قدیم و جدید یکی از بزرگترین کارهای او بود که مبدأ ترقی اروپا شد.

اشخاص بادی و بیدین هر دو باید قبول کنند که اصلاح و تجدید دینی و رفع عوارض سخیفه طایره و تعصبات بی‌معنی از دین و زدودن کشفات بدعت‌های روحانیان خودخواه و علمای سوء که دین مقدس

(را بختاک) که در سنه ۹۳۷ در شهر آوکسبورگ باز شد نمایندگان مملکت ساکس و ممالک جنوب آلمان با مذاهب متباین حاضر شدند.

انقلاب بزرگی که در آلمان از طرف دهقانان بظهور آمد و قریب ۹ ماه طول کشید تأثیر ناموافق در پیشرفت کار لوتر نمود زیرا که اگرچه در واقع تعلیمات لوتر در توتمخ این انقلاب مدخلیت مهم داشت باوجود این خود لوتر بر ضد این انقلاب برخاسته و اعلان خصومت با آن نمود. شاید جهت این ضدیت آن بود که اگرچه در جزو مطالب دوازده گانه انقلابیون بجز یک ماده مطلب مذهبی نبود و همه راجع باصلاح امور دنیوی خودشان بود لکن رفته رفته دیده شد که آنها یک طریقه مذهبی تازه ای هم میخواهند تبلیغ کنند. بعد از خاموشی این انقلاب سالها لوتر از مقام محبوبیتی که داشت افتاده و دیگر مردم طبقات پائین دور او نیامدند ولی بمرور زمان باز کم کم این وضع تغییر یافت.

یکی از عجایب کارهای لوتر هم از دواج او بود در سنه ۹۳۱ معلوم است این فقره برای او که ابتدا راهب بود چقدر در نظر کاتولیکها گناه عظیم بود ولی او نه تنها نذر عفاف و رهبانیت خود را شکست بلکه یک دختر راهب را که در صومعه بود بفرار تشویق نموده و با او ازدواج کرد. لوتر بر ضد رهبانیت بود و آنکارا جزء دین مسیحی نمی‌شناخت و ازدواج را مقدس میدانست.

لوتر در اواخر عمر خود مدت مدیدی در شهر وینتبرگ مستمراً اقامت کرد. همه این مدت را بوعظ و معاشرت دوستانه با مردم و زندگی با محبت با زن محبوب خود و تربیت اولاد خودش گذراند تا آنکه در سنه ۹۵۲ بواسطه خصومت جمعی که از کتاب بسیار شدید او که تازه تالیف و نشر کرده بود بهیجان آمده بودند بیزار شده و خانه خود را فروخته و از آنجا بیرون رفت ولی بعدها کلانتری شهر و دار الفنون باو قول دادند که او را از رفتار نامعلاوم دیگران محافظت کنند و وی دوباره بدانجا برگشت. در اواخر آن سال سفری در ولایات کرد و در آن ضمن بحالت مرض بشهر آیزناخ مسقط الرأس خود رسید. در آنجا حس کرد که وی در همانجا که متولد شده باید بمیرد و این فقره را در ضمن مواعظ خود در آن شهر میگفت. چندی نگذشت که بستری شد و در ۱۲ ذی الحجه همانسال در آن شهر وفات نمود.

مارتین لوتر علمدار اصلاح دینی اروپا بزرگترین مجدد دینی قرن دهم هجری بود. مقام مشارالیه در تاریخ از یوحنا و بکلیف^(۱) (متوقی سنه ۷۸۲) و یوحنا هوس^(۲) (متوقی سنه ۸۱۸) و فیلیپ ملانختون^(۳) (متوقی سنه ۹۶۷) و اولریخ تسوینگیلی^(۴) (متوقی سنه ۹۳۸) و یوحنا کالوین^(۵) (متوقی سنه ۹۷۱) که مجدذین معروف و بزرگ مسیحی بودند بزرگتر است. لوتر در همانوقت و در همان دوره باصلاح

Philipp Melancton (۳) Johann Huss (۷) John Wiclif (۱)

Johannes Calvin (۵) Ulrich Zwingli (۴)

اقتانوسیه کاملاً منقرض کردند (۱) و چون شنیده باشند که علمای بزرگ و مجتهدین واجب الطاعه و حجج اسلام و آیات الله علی الأنام قبة الاسلام تبریز در سنه ۱۳۱۹ اجاع و ازدحام و بلوا نموده در لایحه ای که بحکومت و ولیمهد در شرح تقاضاهای خود تقدیم داشتند «موقوفی امور نامشروع را از میخانه و مهاخانه و معلمخانه» (۲) مطالبه نمودند گمان خواهند کرد که میخانه هم مانند معلمخانه از شرایط و اسباب ترقی ملی است .

دلیل این مدعا گمان منکم در فرق اخلاق عمومی در ممالک کاتولیک و پروتستان اروپا محسوس است . اخلاق اکثر جوانان فرانکی مآب ایران نیز مؤید دیگر این مدعا است .

لکن یک نکته باریک نباید ناگفته بماند که با وجود شدت لزوم اصلاح و همت در این کار و بدهات محسنتات ظهور یک مجدد دینی در اسلام و ایران این اقدام کار هر کس نیست و محض لزوم این کار برای ترقی ملت و جهات سیاسی و اجتماعی ممکن نیست که یکنفر شخص غیر معتقد که قلباً شور ایمان ندارد و حقیقه معتقد آنچه میگوید نیست بر خاسته و اصلاحی بنوک قلم در چند فصل و باب از راه ملاحظه مصالح دنیوی ترتیب دهد بلکه باید مؤسس این اصلاح واقعاً معتقد و متدین باشد و اقدام وی طبیعی و فطری باشد نه مصنوعی و از روی عقل و تأمل و ملاحظه مصالح اجتماعی و سیاسی .

محصلین ایرانی در آلمان

در باب تحصیل و زندگی محصلین ایرانی در آلمان و شرایط قبول آنها در زیر اداره و سرپرستی « هیئت مواظبت محصلین ایرانی » لازم است باز چند کلمه توضیح داده شود . این توضیح در واقع علاوه بر عرض باطلاع عاقله جواب مکاتیبی هم هست که از طهران و اصفهان و همدان و ارجیل و تبریز رسیده و در این باب سؤالات نموده اند .

۱- در باب مخارج سالیانه محصلین هیچ میزان معینی سالیانه نمیتوان بدست داد و آنچه سابقاً در کاوه نوشته شده بمزور زمان تغییر یافته و در واقع بواسطه ترقی و تنزل غیر متعارفی پولها و مخصوصاً پول آلمان و تغییر متوالی نسبت آن بلیره انگلیسی و نسبت لیره انگلیسی بتومان ایران از یکطرف و گرانی و فرق فاحش قیمت همه چیز و تغییر تند تند آن از ماهی ب ماهی از طرف دیگر تعیین یک میزان ثابتی را برای زندگی سالیانه در آلمان مشکل ساخته . مثلاً بمیزان این دو سه هفته آخری که پول

خود را با هزاران برگ و ساز بچه گانه و مضحک عرضه مسخره بیگانگان میکنند و با وجود این مسخره بر کفش و نعلین خودشانرا موجب کفر شمارند یعنی در واقع ردّ و دفع هر آنچه از امور مخالف عقل و آزادی و ذوق سلیم بر دین عارض شده و موجب وهن آن گردیده و همه آنها از امور ما آنزل الله بها من سلطان است . یک خدمت بزرگ توصیف نا پذیری باخلاق اجتماعی و تربیت روحانی مردم دنیا است چه در ممالکی که اصلاح و تجدید دینی مطابق روح ترقی علمی و تمدن زمان بعمل نیاید - و با آنکه بجای مکاتب قدیمه دارالفنونهای جدید بنا شده و علم و ادب و حکمت و فلسفه ترقی یافته و رواج گرفته باشد و بجای سفر با الاغ راه آهن آمده باشد هنوز اوضاع دینی بر از موهومات اختراعی جهال مانده و گیاههای هرزه و زشت بر گلپای معرفت اصلی غلبه کرده باشد و قصه بثر العلم و زعفر جئی و عوج بن عناق و بلعم باعور و قصه جعبه نوح رگهای زمین و سنت فقه زدن و نخل بلند کردن از حکمتهای عالی منع مسکرات و استحباب سنت سبق و رمایه و آیات بلند پایه و سن حکیمانه اصلی در قدر و اعتباریش باشند - در چنین ممالک طولی نمیکشد که ترقی علوم طبیعی مبنی بر محسوسات رونق بازار عوارض جاهلانرا شکسته و روشنائی علم گریه را از سمور تمیز میدهد آنوقت ناچار یا ستد جهل و تعصب بیک انقلابی بر میافتد و سیل معرفت بیکبار هجوم میکند ولی بدبختانه در ابتدای امر این سیل نه تنها خار و خاشاک را از باغ بر میاندازد و ریشه کن میکند بلکه یکباره باغی را که بغفلت باغبانان جنگل بر خاری شده فرا گرفته و گلهارا نیز با گیاههای هرزه از بیخ و بن بر میکند و آتش انقلاب تر و خشک را با هم میسوزاند و یا بتدریج مردم علوم حقیقی دنیوی را فرا گرفته و بواسطه غرابت فوق العاده ظواهر عارضی دین که در دست مشتی مکتسبین بدین آلت مسخره شده مطلقاً از دین بیزار و سیر شده و مسخره میکنند و بکلی بیدین میشوند یعنی نه تنها عده ای از فلاسفه و حکمای قوم بلکه عاقله نیز دستشان از یک رادع وجدانی و مایه تسلیت روحانی خالی میشود و قسمتی از اخلاق حسنه که قرنها و هزاران سالست تکیه بر دین دارد و در مزرع تربیت آن نشو و نما یافته پایه اش منزلزل و بلکه منهدم میشود و نتیجه آن میشود که اخلاق اجتماعی آن ملت بفته دوچار بحران میشود و اگر ملت خام و کم ظرف و در علم و تمدن نارس باشد که شاید قدم را محض گناه قدمش مردود خواهند شمرد و بعضی افراد آن میل خواهند کرد که کلاه را بیا بپوشند و کفش را بسر تا مصداق «مجدد» کامل بشوند . مثلاً در ممالک مسلمان حرمت مسکرات را نیز نظیر حرمت تعلیم نسوان فرض کرده و تصور خواهند کرد باقتضای ترقی و تمدن همه یکجا باطل شد و محض ترویج تمدن آنقدر عرق خواهند خورد که مانند سکنه جزایر ساندویچ از جزایر

(۱) جزایر ساندویچ یا هاوایی یک مجمع الجزایر است در قسمت پولینزی از اوقیانوسیه مرکب از هشت جزیره مهم و چند جزیره کوچکتر . پایتخت این جزایر که از سنه ۱۳۱۶ باین طرف در زیر اداره دولت ایالات متحده آمریکا است هونولولو است . سکنه این جزیره آنقدر در مسکرات منهدم شده بودند که عاقبت تقریباً منقرض شدند . امروزه این جزایر باز قریب بصد هزار نفر سکنه پیدا کرده . (۲) معلمخانه سابقاً در آذر بایجان مدارس جدید را بنامیدند .